



جزیره **ماداگاسکار** بالغ بر ۲۲۸٫۵۰۰ میل مربع مساحت دارد و از نقطه نظر وسعت سومین جزیره در جهان ، پس از دو جزیره گونئی جدید **New guinea** و **Bornee** به شمار میرود . این مساحت در واقع معادل مجموع مساحت کشورهای : فرانسه ، هلند و بلژیک است . طول جزیره ۱۰۰۰ میل و عرض آن بالغ بر ۳۵۰ میل است ، چنانکه طول ساحل آن به ۳۰۰۰ میل میرسد .

ماداگاسکار از قسمت پائین ساحل آفریقای شرقی ۲۵۰ میل فاصله دارد و بدین ترتیب جزیره ای جدا از قاره آفریقا است و مردم آن هم در واقع ممزوج از اهالی مالی و پولینزی - (Polynesian-Malay) و از نژاد آفریقائی هستند .

قبایل گوناگونی در جمهوری مالاگاسی بسر میبرند که از آن جمله اند قبیله های : مووا (یامرینا) بتسیمیسراکا ، رتسیلو ، تسیمهتی ، ساکالاوا ، آنتای ساگا ، اتاندروی ، ولی مهمترین قبیله ها ، همان قبیله **مووا** (مرینا) است و زبان آنان ، زبان مالاگاسیائی است که در قسمت اعظم جزیره ماداگاسکار قابل فهم است .

طبق آمار منتشر شده در سال ۱۹۶۲ م تعداد نفوس این جزیره ، در حدود شش میلیون نفر است که از آن میان ۲۵۰۰۰ نفر آسیائی هستند و تعداد مسلمانان نسبت بمجموع ساکنین این

جزیره ، به ۲۰ درصد یعنی متجاوز از ۱۱۵۰۰۰۰ نفر بالغ میگردد . (۱)  
 از زمان اشغال این جزیره بوسیله استعمار فرانسه در سال ۱۸۹۵ میلادی ، بیشترین  
 مسیحی توانسته اند گروهی از افراد قبیله «مووا» و قبایل ساکن نواحی مرکزی را بسوی  
 مسیحیت جلب کنند برای آنکه در این جزیره ، گروههای تبشیری بسیاری از فرانسه ، انگلستان ،  
 نروژ و آمریکا ، بکوششهای پی گیری مشغول می باشند ، ولی با این حال هنوز اکثریت مردم  
 این جزیره بت پرست هستند .

عقیده دینی مردم بومی مالاگاسی ، بت پرستی در اشکال نخستین آن ، از قبیل «پرستش  
 اجداد» است . ولی در اوایل قرن نوزدهم ، جمعیت تبشیری لندن the London Missionary  
 Society پرچمداران نهضت میسیونری را همراه زبانی که برای خواندن و نوشتن اختراع  
 کرده بودند ، باین ناحیه اعزام داشت و آنان علاوه بر کارهای تبشیری ، به تأسیس مدارس ابتدائی  
 و درمانگاهها پرداختند و در نتیجه توانستند «مسیحیت» را بسرعت در سراسر این جزیره منتشر  
 سازند و از نفوذ اسلام در این جزیره که یادگار قرن ششم و نهم بود ، بکاهند و در سایه همین  
 کوششها مردم ناحیه مرکزی جزیره ، بطور غالب ، به مسیحیت گرویدند ! .

علاوه بر مدارس و درمانگاههای مسیحی ، گروههای تبشیری در هر نقطه ای ، بساختن  
 کلیسا پرداختند و در نتیجه ، هم اکنون در حدود ۰۰۰۰ کلیسا و مرکز تبشیری دارند که در  
 قبال آن فقط ۷۵ مسجد در این جزیره وجود دارد که متأسفانه اغلب این مساجد هم وضع  
 مناسبی ندارند و رو بویرانی گذاشته اند

و آنچه مایه تأسف بیشتر است اینست که مسلمانان این جزیره از نقطه نظر معلومات  
 اسلامی و فرهنگ عمومی عقب مانده نگاه داشته شده اند و این عدم آگاهی از حقیقت اسلامی ،  
 موجب نگرانی شدیدی است .

البته يك انجمن مرکزی اسلامی در پایتخت جزیره - تانانارین Tananarin وجود  
 دارد که بدبختانه در خمود عجیبی بسر میبرد و هیچگونه فعالیت مثبتی ندارد . و روی همین اصل  
 است که مسلمانان این جزیره ، تحت تأثیر فرهنگ و آداب و رسوم فرانسویها قرار گرفته اند و  
 این خود نشان میدهد که مسلمانان این جزیره ، نیازمند يك تحول اساسی در همه شئون زندگی  
 بویژه اطلاعات دینی هستند و البته وظیفه گروهها و سازمانهای اسلامی سراسر جهان اسلام  
 ایجاب میکند که هر چه زودتر برای نجات ورهائی همکیشان و برداران خود از نفوذ همه جانبه  
 مسیحیان غربی ، بکوشش پی گیری و دامنه داری در این جزیره بپردازند .

(۱) از کتاب : World Muslim Gazetteer صفحه ۵۶۱ ، چاپ پاکستان .

\* \* \*

در نتیجه انتخابات اکتبر سال ۱۹۵۸ میلادی، جمهوری مالاگاسی به اتحادیه مستعمرات سابق فرانسه پیوست و پیش از آن نیز، در طول بیش از نیم قرن تسلط استعماری فرانسه، مردم این جزیره، از همه جهات، عقب مانده نگاه داشته شده اند و استعمار کوشیده است که برای ادامه سلطه نا جوان مردانه خود، مردم بومی و مسلمان این جزیره همچنان از طی مراحل عالی تحصیلات محروم شوند و میدان برای فعالیتهای گروههای تبشیری در همه جوانب زندگی مردم، بازماند.

البته باید متذکر شد که تبشیر مسیحیت در این جزیره، با موفقیت کامل روبرو نشده است، زیرا که مردم بت پرست آن علاقه ای بمذهب و مسیحیت نشان نمی دهند و به فلسفه قدیمی خود در زندگی ادامه میدهند. این فلسفه! در یک ضرب المثل معروف مالاگاسی چنین خلاصه شده است: «مامی نی آینا» Mami ni aina - زندگی شیرین است life is sweet و بدین ترتیب هدف نهائی مردم بومی و غیر مسلمان این جزیره آنست که خوب زندگی کنند و خوش باشند!

ولی در عین حال، از سال ۱۹۹۵ میلادی، فرانسه کوشیده است که بهر نحوی شده مردم را بسوی مذهب کاتولیک رومی بکشاند و در این راه از راه معمولی استعمار در آفریقا، یعنی زور و جبر و گول زدن و فریفتن، استفاده نموده است.

گروههای تبشیری مسیحی همیشه کوشیده اند که در سرزمین های آفریقا نفوذ کنند و سپس مردم ساده لوح را بسوی نجات! از راه قبول تثلیث - شرکت سهامی خدای پدر و پسر و روح القدس!! - و مظاهر تمدن! و صنعت مادی غرب، بکشانند و پس از آنکه جاده را صاف کردند، نوبت اشغال نظامی و بردگی سیاسی این سرزمینها توسط استعمارگران غربی، آغاز گشته است.

\* \* \*

امروز اکثریت آفریقا آزادی یافته است و در همه جا فریاد آزادی، مساوات و برادری بگوش میرسد و مردم این قاره بخوبی دریافته اند که ماشینیسم ظاهر آراسته غرب آمیخته با مسیحیت و استعمار است و عامل عقب ماندگی و بدبختی.

و در واقع مردم این قاره بخوبی میدانند که:

(۱) مسیحیت مذهبی است در اختیار استعمار و بعبارت دیگر، سلاحی است در دست

کلنیالیسم غربی.

(۲) مسیحیت کنونی ساخته و پرداخته نژاد سفید پوست غربی است و در راه منافع مردم سیاه پوست بکار نمیرود .

(۳) مسیحیت وسیله‌ای برای بازاریابی و صادر نمودن کالاهای خارجی است و در زیر پوشش مسیحیگری ، یک نوع کوشش بسود ربا خواری سرمایه‌داری بریتانیا و آمریکا یاد دیگران نهفته است .

(۴) دمکراسی مسیحیت غربی برای کشورهای خودشان است ولی در سرزمینهای دیگر بنام دمکراسی مردم را به بردگی می‌کشاند !

(۵) - مفاهیم «اخلاقی» ! جدیدی که از عرب بعنوان ارمغان ! به آفریقا آورده شده ، محصول و فرآورده مسیحیت است !

بی‌شک با کمی کوشش و صبر ، فعالیت پی‌گیر و همه جانبه میتوان مردم آفریقا را به نیروی خلاق اسلام در قاره سیاه ، تبدیل نمود ، ولی با کمال تأسف باید گفت که کوششهای اسلامی موجود در آفریقا غیر منظم ، کم ، بی‌نقشه و پراکنده است و در نتیجه ، تبشیر مسیحیت پیشرفت بیشتری پیدا کرده است و اگر وضع بهمین قرار ادامه یابد ، بزودی آفریقای جنوبی و مرکزی را مسیحیت خواهد بلعید !

اگر بخواهیم که آفریقا برای اسلام باقی بماند ، باید آفریقائیان مسلمان و دیگر مسلمانان روی زمین در تبلیغ اسلام در آفریقای جنوبی و مرکزی و شرقی ، همکاری و همفکری بعمل آورند و همانند ایالات متحده آمریکا ، بریتانیا ، فرانسه و دیگر دولتهای اروپائی که در تبلیغ مسیحیت در آسیا و آفریقا همکاری میکنند ، در تبلیغ اسلام کوششهای لازم را بطور دستجمعی انجام دهند .

این يك ضرورتی است که بقای موجودیت جهان اسلام آنرا ایجاب میکند و باید دنیای اسلام واقعیت این مشکل بزرگ را دریابد و اجازه ندهد که آفریقا در سایه غفلت و کوتاهی ، از جهان اسلام دور شود و در کام مسیحیت غربی فرورود ! (۱)

(۱) با استفاده از ماهنامه : The voice of Islam چاپ پاکستان ، شماره ۱-

اکتبر سال ۱۹۶۷ میلادی صفحه ۴۸ و بیعد و مجله «الهدی الاسلامی» نشریه دانشگاه اسلامی لیبی ، شماره ۴ سال ۶ صفحه ۹۳ و بیعد (مورخ ذیحجه سال ۱۳۸۷ هجری) .